

وایمان افاده زیادتی یقین چنانکه در کرده اول کوشیده نماید  
که چنانکه مشاهد آن شواهد نبوت و دلایل رسالت از اهل سخا  
دو کرده بوده اند چنان مستعان آنها از عدول لغات کرده اند  
گویی از آن قبیل آنکه ایشان را بهما نسبت با آن حضرت صان  
قوی افتاده است که چون بعد از قرنها شرح اقوال احوال  
و اخلاق آن حضرت بشنوند و اگر چه از قبیل معجزات باشد  
نبوت وی تصدیق کنند و یاوردنای وی ایمان از بند  
معجزات تصدیق و ایمان ایشان قوی تر گردد و گوی از آن قبیل  
که مادام اسمع معجزات و تصدیق نبوت آن با آن الصام نماید  
بدولت تصدیق و ایمان موفق بشوند و بعد از توفیق تصدیق  
و ایمان ملاحظه سایر معجزات نسبت با ایشان موجب ازدای یقین  
گردد و بعضی دیگر از آن قبیل بودند که وصف مناسب از ایشان  
منتفی بود و لولا نسبت منطقی هر چند مشاهده آیات معجزات  
بیش کردن طریق عناد و استکبار پیش سیر در جوان ضنادید  
قرینس افساح معجزات میکردند و بعد از مشاهده آن می گفتند که آن

از قبیل سحر

از قبیل سحر و سحره است و آن مشاهده در حق ایشان جز سخا  
و بدیختی نیست و در ملحق با ایشان انداماعتی دیگر از ملاحظه  
و زنا دیده که در قرنهای دیگر کار معجزات کرده اند و میکنند  
و طریق استکبار و عناد سیرده اند و می سیرند معجزات ابلک  
بنوات را مطلقا منکرند و پیشتر و قیامت و در روح و  
و غیر آن از آوردنای سحر صلی الله علیه و سلم ایمان ندارند  
و جماعتی دیگر هستند که اگر چه با آن چه منقولست از آیات معجزات  
بحسب طاهر اقرار میکنند که از آن حد انجازه بیرون می برند  
و معجزات را بلکه حوارق عادات را مطلقا منکرند و عجزت بلکه  
با وجود این انکار برای استمالیت قلوب عوام در استجاب  
منافع از ایشان دعوی کرامات حوارق عادات میکنند  
و با انواع کید و تزویر اجلاف را معتقد خود می سازند و خود  
من افسان و سیات افعالنا من بیده الله فلا حصل له و من  
یضلل ظلاما دی له و چون مشاهده آیات و معجزات با اسمع  
آن از عدول لغات چنانکه دانی نسبت بعضی از اهل سخا